

گربه‌ای که کتاب‌ها را نجات داد

سوسوکه ناتسوکاوا

ترجمهٔ مژگان رنجبر

www.ketab.ir



کتابخانهٔ کونپنسی



کتاب کوله‌پشتی

مگر بدای که کتاب‌ها را نجات داد

سوسوکه ناسو کاوا

ترجمه مزگان رنجبر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۱-۵۲۸-۰

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

ویراستار: شهین خاصی

طراح جلد: احمد شهبازی

صفحه‌آرا: آتلیه کوله‌پشتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله‌پشتی

تلفن: ۶۶۵۹۷۶۱۳ - ۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: Koolehposhti-pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: ketabekoolehposhti

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲-۱۰۴

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

ناتسوکاوا، سوسوکه، ۱۸۶۷ - ۱۹۱۶ م.	سرشناسه
Natsukawa, Sosuke. 1867-1916	عنوان و نام پدیدآور
گریه‌ای که کتاب‌ها را نجات داد / سوسوکه ناتسوکاوا: ترجمه مزگان رنجیر.	مشخصات نشر
تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۴۰۰.	مشخصات ظاهری
۱۸۴ ص: ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س. م.	شابک
978-600-461-528-0	وضعیت فهرست‌نویسی
فیپا	یادداشت
The Cat Who Saved Books : عنوان اصلی :	موضوع
داستان‌های ژاپنی -- قرن ۲۰ م.	شناسه افزوده
Japanese Fiction -- 20th Century	رده‌بندی کنگره
رنجیر، مزگان، ۱۳۵۵ - مترجم	رده‌بندی دیویی
PL۸۱۷	شماره کتابشناسی ملی
۸۹۵/۶۳۶	
۸۶۹۷۵۱۹	

فهرست

۹	در باره نویسنده
۱۱	پیش درآمد: کل ماجرا چگونه آغاز شد
۲۱	فصل اول: هزارتوی اول؛ زندانی کننده کتاب ها
۵۸	فصل دوم: هزارتوی دوم؛ سلاخ کتاب ها
۹۶	فصل سوم: هزارتوی سوم؛ فروشنده کتاب ها
۱۳۴	فصل چهارم: هزارتوی پایانی
۱۷۵	سخن پایانی: کل ماجرا چگونه به پایان رسید

پیش درآمد کل ماجرا چگونه آغاز شد

پیش از هر چیز، پدر بزرگ از دنیا رفته است.

داستانی که پس از آن رخ می دهد، بسیار نامتعارف است؛ اما او می داند که این حقیقت صد درصد واقعی است.

این موضوع به همان اندازه واقعی است که خورشید صبح ها طلوع می کند و معده اش وقت ناهار از گرسنگی به قاروقور می افتد. بستن چشم ها و گرفتن گوش هایش را امتحان، و وانمود کرده است که چیزی نمی داند، اما پدر بزرگش بر نمی گردد.

رینتارو ناتسوکی^۱ در مواجهه با این واقعیت ناگوار، همان جا بی حرف و بی حرکت ایستاده. او از بیرون مرد جوان آرام و آسوده خاطری به نظر می رسد، اما برخی از افراد حاضر در مراسم خاک سپاری او را ترسناک می بینند. او به عنوان یک دانش آموز دبیرستانی که ناگهان نزدیک ترین عضو خانواده اش را از دست داده، بیش از حد خونسرد به نظر می رسد. چشم های رینتارو، که در گوشه ای از سالن مراسم خاک سپاری از جایش تکان نمی خورد، روی عکس پدر بزرگش بی حرکت مانده اند.

در حقیقت، رینتارو به هیچ وجه آرام و آسوده خاطر نیست، این تصویر مرگ است که برایش ناآشناست؛ نمی تواند بین آن و پدر بزرگش، مردی آرام و متین که انگار در عالمی متفاوت به سر می برد، ارتباطی ایجاد کند. او هرگز فکر نمی کرد مرگ سر وقت پدر بزرگش بیاید؛ فردی که از شیوه زندگی ساده و کم و بیش یکنواختی لذت می برد. رینتارو با نگاه کردن به او که آنجا دراز کشیده است و نفس نمی کشد، حس می کند از بقیه جدا افتاده، طوری که انگار دارد نمایشی را با اجرایی بد تماشا می کند.